



واریزی می کردند. از آنجا که هم ولایتی هایمان غیر قانونی وارد ایران شده بودند، نمی توانستند شکایت کنند.

**اما تاجران به صورت قانونی به ایران آمده بودند؟**

بله، به همین خاطر یکی از همدستانمان را که زنی جوان بود به عنوان رابط شرکت سر راهشان قرار دادیم تا آنها را به ایران بکشاند. از خانواده یکی از تاجرها که تیر خورده بود و فکرمی کردیم مرده است توانستیم ۹۰ هزار دلار بگیریم. چون مطمئن بودیم با ایران آشنایی ندارند و نمی توانند محل باغ را نشان دهند، خیالمان راحت بود که لو نمی رویم.

مهاجرت به کشورهای دیگر بود. ما به آنها می گفتیم که می توانیم شرایط مهاجرت به کشورهای اطراف را با فراهم کردن کاری مرتبط و مناسب برایشان فراهم کنیم. آنها هم غافل از نقشه ای که در سر داشتیم با ما روانه باغ می شدند.

**در باغ چه اتفاقی می افتاد؟**

آنها را برای چند روز گروگان می گرفتیم و شکنجه می دادیم و مجبورشان می کردیم با خانواده هایشان تماس گرفته و از ۱۰ هزار دلار به بالا برای آزادی گروگان های خود بخریم. در نهایت هم خانواده های آنها مبلغی را فراهم کرده به حساب های ارز دیجیتال

## فرار هالیوودی ۲ تاجر خارجی از باغ گروگانگیران تهرانی!

بدین ترتیب سر نوشت دومین گروگان نیز مشخص شد. اما دومین گروگان نیز نتوانست به پلیس در رابطه با محل باغ مخوف اطلاعاتی بدهد. ولی نکته ای که نظر تیم تحقیق را جلب کرد این بود که محل رها شدن گروگان دوم نیز با محلی که گروگان اول نشان داده بود در یک مسیر قرار داشت و با توجه به این موضوع، کار آگاهان روی مسیر شمال متمرکز شده و در نهایت پس از تحقیقات گسترده موفق به شناسایی باغ مخوف شدند.

### گروگانگیری های سریالی

با حضور مأموران آنها موفق شدند نگهبان باغ را بازداشت کنند که وی در تحقیقات گفت: چندی قبل یکی از هم ولایتی هایمان این باغ را اجاره و مرا به عنوان نگهبان در اینجا استخدام کرد. دو ماه می شود که نگهبان باغ شده ام و در ماجرای گروگانگیری نقشی ندارم. با اعتراف مرد نگهبان، هویت یکی دیگر از متهمان پرونده نیز بر ملا شد و کار آگاهان اداره آگاهی موفق شدند مرد جوان را بازداشت کنند. او در تحقیقات به گروگانگیری سریالی از اتباع بیگانه با همدستی دو مرد و یک زن اعتراف کرد. با اعتراف مرد جوان، تحقیقات برای دستگیری همدستانش و شناسایی مال بختگان دیگر به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد.

### گفت و گو با مرد گروگانگیر

#### نقشه تان برای گروگانگیری چه بود؟

ما سرآغاز اتباعی می رفتیم که غیر قانونی به ایران آمده بودند و با دو ترانسند آنها را باغ می بردیم. ترانسند اول کارایی و معرفی آنها به کارفرماهایی بسود که خیلی خوب حقوق می دادند. ترانسند دوم

پلیس نشان دهد. تنها سرخ و ردی که پلیس می توانست از این گروگانگیری داشته باشد، محلی بود که گروگان سوار خودروی عبوری شده بود. بدین ترتیب تیم تحقیق با احتمال اینکه محل اسارت گروگانها تا محل سوار شدن وی به خودرو نزدیک باشد دایره ای فرضی برای جست و جو و یافتن باغ مخوف ترسیم کرد.

به دنبال اظهارات مرد تاجر، بلافاصله پرونده ای در شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت تشکیل شد و بازپرس موسی رضازاده دستور تحقیقات برای آزادی گروگان دوم و دستگیری گروگانگیران را صادر کرد. در حالی که بررسی هادر این رابطه ادامه داشت، گزارش کشف بدن نیمه جان مردی که تبعه ایران نیست به پلیس اعلام شد.

مرد جوانی که در مرد نیمه جان را پیدا کرده بود، گفت: متوجه صدای ناله مردی در بیابان های اطراف تهران شدم و در ادامه مردی را دیدم که از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفته و وضعیت جسمی نامناسبی داشت. مرد جوان به بیمارستان منتقل شد و پس از درمان راز گروگانگیری ۹۰ هزار دلاری را بر ملا کرد. او نیز گفت: چند روز قبل همراه یکی از دوستانم که او نیز تاجر بود به ایران آمدم و زن جوانی که رابط ما برای معامله و تجارت بود ما را به باغی کشاند و در آنجا گروگان گرفته شدیم. دوستم موفق به فرار شد اما زمانی که من می خواستم فرار کنم از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفتم. خونریزی شدیدی داشتم و تقریباً نیمه هوش بودم. گروگانگیران با دیدن این صحنه و با این احتمال که من مرده ام مرا در خودرویشان انداخته و در بیابانی رها کردند.

**گروه حوادث** - دو تاجر خارجی که توسط اعضای یک باند ربوده شده و شرط آزادی آنها ۱۸۰ هزار دلار بود، به طرز معجزه آسایی از دست گروگانگیران رهایی یافتند.

چند جوانی آشفته و پاره رهنه جلوی یک خودروی عبوری را در جاده ای فرعی اطراف تهران گرفت و از راننده درخواست کمک کرد. مرد جوان که بشدت زخمی شده بود از راننده خواست او را به اولین مقر پلیس برساند.

وی که خود را رحمان معرفی کرد به مأموران گفت: تاجر هستم و با همکارم از کشورمان که در همسایگی ایران است برای تجارت به ایران آمدم. زن جوانی به نام کبری رابط ما بود. کبری با خودروی پژوی دنبالم آمد و با این ترانسند که قرار است ما را به شرکتشان ببرد، سوار خودروش کرد. اما یک ساعت بعد وارد باغی در اطراف تهران شدم. به محض ورود چهار مرد به ما حمله کرده و دستها و پاهایمان را بستند. در حالی که تحت شکنجه مردان خشن بودیم آنها از ما خواستند با خانواده هایمان تماس گرفته و از آنها درخواست ۹۰ هزار دلار برای آزادی کنیم. یکی از مردان که نگهبان بود شبها در باغ می ماند اما سه مرد دیگر به صورت شبیفتی جایشان را تغییر می دادند. با دوستم قرار گذاشتیم او حواس نگهبان را پرت کند تا من فرار کنم و در صورتی که موفق شدم، او هم لحظاتی بعد فرار کند. شب حادثه از غفلت نگهبان استفاده کرده و فرار کردم اما قبل از اینکه دوستم بتواند فرار کند سایر اعضای باند آمدند و نمی دانهم به بلایی سر او آمده است.

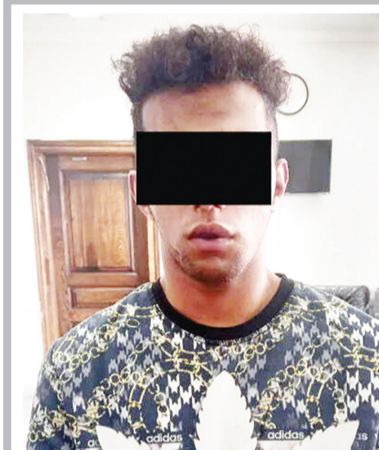
مرد تاجر نتوانست محل اسارت خود و مخفیگاه متهمان را به

## روایتی از یک قتل مسلحانه...

**گروه حوادث** - ۱۹ ساله ای که با مباد روز حادثه با شلیک گلوله، پراپدسورای را در ماجرای درگیری به قتل رسانده بود پس از چند ساعت فرار تسلیم پلیس شد.

حدود ساعت یک با مباد روز حادثه پیکر خون آلود جوان ۲۵ ساله ای به بیمارستان طالقانی مشهد انتقال یافت که بر اثر اصابت گلوله های سناچمه ای به اغما رفته بود. تلاش کادر درمانی برای بازگرداندن این جوان به زندگی نتیجه ای نداد و او بر اثر عوارض ناشی از شلیک گلوله جان سپرد. دقیقی بعد با گزارش این جنایت مسلحانه به قاضی ویژه قتل عمده مشهدی در سنگ قاضی محمود عارفی رادیه همراه گروهی از کار آگاهان روز یه پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم بیمارستان شد و به تحقیق در این باره پرداخت. بررسی های مقدماتی بیانگر آن بود که تعدادی از گلوله های سناچمه ای به پهلوی چپ و ران پای راست جوان ۲۵ ساله برخورد کرده و موجب پارگی طحال و ریه جوان مذکور شده است.

تحقیقات قضایی در ساعات اولیه با مباد در حالی ادامه یافت که از انتقال دهنده جوان مجروح به مرکز درمانی خبری نبود. اما کنکاش های تخصصی کار آگاهان نشان داد که «مهدی - گ» (مقتول) در دقیق اولیه با مباد



گروه عملیاتی کار آگاهان به سرپرستی سروان عظیمی مقدم (فسر پرونده)، به ردیابی های اطلاعاتی پرداختند و مشخصاتی از محل تردد وی را به دست آوردند اما قبل از آن که عملیات دستگیری وی با دستور قضایی آغاز شود، وی خود را به یکی از مراکز انتظامی معرفی کرد و شلیک گلوله به سسوی پراپدسوار ۲۵ ساله را پذیرفت. اما درباره چگونگی شلیک به تناقض گویی پرداخت.

عامل این جنایت مسلحانه با صدور دستوری از سوی قاضی ویژه قتل عمده مشهد، در اختیار کار آگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت تا تحقیقات بیشتری در این باره انجام شود.

## زندگی مرا به فلاکت کشاندند تا پسرشان را خوشبخت کنند!

در حالی از طلاق گرفتیم که «جاهد» مرا رها کرده بود و بیشتر شبها را با آن زن غریبه می گذراندم!

در این شرایط دخترم را نیز به جهاد دادم و خودم به خانه پدرم باز گشتم؛ ولی هنوز یک سال بیشتر از این ماجرا نگذشته بود که «جعفر» به خواستگاری ام آمد. او هم یک ازدواج ناموفق داشت و پسر یک ساله اش را نزد خودش نگه داشته بود. وقتی باهم صحبت کردیم، من به او قول دادم که از پسرش در حد توانم مراقبت می کنم و او را مانند فرزند خودم می دانم. بعد از این گفت و گوها، من و جعفر باهم ازدواج کردیم و من مادر «سیروس» شدم؛ به طوری که برای آسایش او از همان دوران نوزادی از هیچ چیزی دریغ نکردم. حتی وقتی فرزندان خودم به دنیا آمدند، بیشتر از همه به «سیروس» توجه می کردم تا احساس غربت نکند و مرا مانند مادر خودش دوست داشته باشد. با وجود این وقتی بزرگ تر شد و به سن نوجوانی رسید متأسفانه حرف های دیگران در افکارش تاثیر گذاشت و بل رفتاری های توهمی آمیز با مرا شروع کرد اما من اهمیتی نمی دادم و سعی می کردم این گونه رفتارها را تحمل کنم. تا این که سال گذشته همسرم به طور ناگهانی دچار سکنه قلبی شد و جان خود را از دست داد. بعد از مرگ «جعفر» من بخشی از منزل را به نام «سیروس» سند زدم تا برای آینده اش سرمایه ای داشته باشد و همواره به فرزندانم تاکید می کردم که باید به حرف برادر بزرگ ترشان گوش کنند! با همه این محبت ها اما او به هر بهانه ای به من ناسزا می گوید و گاهی نیز از سر غرور جوانی مست و لنگه هایش را تنارم می کند! دیگر خسته شده ام و نمی توانم این همه کتک کاری های بی رحمانه او را تحمل کنم. از سوی دیگر نیز من سیروس را از یک سالگی بزرگ کرده ام و او را مانند فرزند خودم دوست دارم و نمی توانم او را از خانه ام بیرون کنم! اما ای کاش...

با دستور سرهنگ احمد زمانی (رئیس کلانتری قاسم آباد مشهد) اقدامات مشاوره ای و بررسی های قانونی این پرونده، با احضار سیروس به کلانتری در دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد.

**گروه حوادث** - آن ها برای آن که پسرشان را خوشبخت کنند، زندگی مرا به تباهی کشاندند و با نوجوانم مردی و صفت ناپذیری مرا به چنگ پستی هوسباز انداختند که با یک زن بزرگ تر از خودش ارتباط داشت و ...

زن ۴۵ ساله که برای شکایت از پسر خوانده اش وارد مرکز انتظامی شده بود، با بیان این که ۲۰ سال برای پسر خوانده ام زحمت کشیدم تا به سن جوانی رسید اما اکنون مرا کتک می زند، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: تازه دیلم گرفته بودم که یکی از همسایگان قدیمی مادر بزرگم، مرا برای پسرش خواستگاری کرد. آن ها به قدری از اخلاق و کمالات «جاهد» سخن گفتند که من هم ندیده عاشق او شدم و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم.

خیلی زود مراسم خواستگاری انجام شد و من و جهاد در حالی زندگی مشترکمان را آغاز کردیم که او بیشتر اوقات خودش را در خارج از خانه می گذراندم آرام آرام احساس می کردم علاقه ای به من ندارد و رفتار عاطفی سردی از خود بروز می دهد. در حالی که دخترم را باردار شده بودم، حس عجیبی را تجربه می کردم و از رفتارهای شوهرم رنج می کشیدم! این بود که در جست و جوی علت رفتارهای او بر آمدم و فهمیدم که بازن دیگری ارتباط دارد. هنگامی که موضوع را با خانواده «جاهد» در میان گذاشتم، آن ها نگاهی به یکدیگر انداختند و سپس مادرش را زنی را بر ابرام فاش کرد که زندگی مرا به تباهی کشاند. او گفت: «جاهد» قبل از ازدواج با تو به این زن مطلقه علاقه مند بود اما منم خواستیم پسرمان با زنی ازدواج کند که ۱۲ سال از خودش بزرگ تر است. به همین دلیل پس از جست و جوی فراوان که دختری با اصل و نسب پیدا کنیم، بالاخره به تو رسیدیم و از «جاهد» خواستیم که با تو ازدواج کند؛ چرا که قصد داشتیم با این ازدواج او را از آن زن دور کنیم! خلاصه با شنیدن این جملات، رنگ از رخسارم پرید و دردم همه اعضای خانواده «جاهد» را فرغین کردم که زندگی مرا به فلاکت کشاندند تا پسرشان را خوشبخت کنند! بالاخره زندگی مشترک من و جهاد دیگر دوامی نداشت و من بعد از به دنیا آمدن دخترم

## نیازمندی ها

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)  
سایت: www.eghtesad-kish.ir

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

<h3>مفقودی</h3>	<h3>خیاطی</h3>	<h3>لوازم یدکی</h3>	<h3>استخدام</h3>
اصل کارت کیشوندی به شماره ۱/۱۷۳۳۳۶ به نام فرزاد سرخس مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	خیاطی حبیبی بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸	تهیه لوازم یدکی خودرو شما در سریعترین زمان ۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸ جعفری	<b>استخدام منشی عصر ساکن کیش</b> یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۹ تا ۳ شب
اصل کارت اشتغال به کار به نام ثمرالدین چاری به شماره گذرنامه P00452326 و شماره پروانه کار ۲۲۲۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	<h3>خدمات</h3>	<h3>خشکشویی</h3>	<b>استخدام نیروی خدماتی</b> یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.
<h3>خودرو</h3>	<h3>خدمات برق</h3> <p>انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<h3>ساختمان</h3>	
فروش پژو پارس سال موتور جدید XU7P مدل ۱۴۰۲ ۰۹۱۷۱۶۲۱۰۰۸	<h3>حمل بار</h3> <p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<h3>خشکشویی طلوع</h3> <p>در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با بیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p>	<b>تعمیرات و تأسیسات منزل - لوازم آشپزخانه</b> آب - برق ۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰ خاکساری

صنایع چوب  
**حلاج کیش**  
 کلیه سفارشات  
 MDF، چوبی  
 دکوراسیون غرفه و منزل  
 تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰